



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۳ / ۱۳

یونس نگاه

## قلم و کاغذ

اولین بار در سال ۱۹۹۱ در کوئته انگلستانم به کلید تایپینگ خوردم. آن زمان کمپیوتر در دسترس عموم نبود و هنوز شاگردان مکتب در کنار درس دوست داشتند تایپینگ یاد بگیرند. در کوئته مدتی کورس تایپینگ رفتم و از نقش حروف و کلمات هم شکل و قالبی روی ورق به هیجان می آمدم. دستخطام خام بود و در مقایسه با نوشته تایپی بسیار ابتدایی به نظر می رسید. آرزو می کردم که ماشین تایپی داشته باشم و مجبور نباشم با قلم بنویسم.

سال ۱۹۹۹ در کابل طالبانی اولین بار دستام به کلید کمپیوتر خوردم. آن عده از همسلان ما که فرصت مکتب و دانشگاه داشتند، در این زمینه تجربه مشابه دارند. صفحه کمپیوترهای آن زمان ضعیف بود و کمپیوترهای مستعمل در بازار کابل صفحات خطی داشتند و برفکها و شیارهای افقی و عمودی نور روی صفحه چشمک می زد و حرکت می کرد. کمپیوتر آن زمان صندوق جادو بود و از آموختن «کمندهای» داس بسیار لذت می بردیم.

چند سال بعد کمپیوتر دنیای ما را فتح کرد. از سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به بعد موازنه به سود کیبورد و به زیان قلم و کاغذ به سرعت تغییر کرد. قلم هنوز داشتیم ولی قلمی که رنگاش خلاص شود چندان به چشم نمی خورد. قلمها کهنه می شدند ولی خالی نمی شدند. کتابچه داشتیم ولی بیشتر کتابچهها نیمه می ماندند یا فقط چند صفحه آنها پر می شد و با تغییر موضوع در گوشه ای می افتادند و فراموش می شدند.

در روک میز من هنوز قلمهای خودکار سیاه، آبی و سرخ زیاد است. پنسل و پنسل تراش هم دارم. از پنسل تنها برای نشانی صفحات کتاب و یادداشت نویسی در حاشیه کتابها استفاده می کنم. قلم را گاهی برای یادداشت های کوتاه در مورد یک مضمون یا طرح یگان مقاله استفاده می کنم. وقتی به سفر، دیدار، جلسه و یا دفتری می روم هنوز قلم و کاغذ در بیک با خود بر می دارم.

از خرید کتابچه و کاغذ لذت می برم. همیشه یک گده کاغذ کنار میزم نگه می دارم، ولی آن گده شاید طی چند سال تمام نشود. قلم و کاغذ کمتر بر اساس ضرورت و بیشتر به دلیل «اعتیادی» که نسل ما به این ابزار «قدیمی» نوشتن دارد، هنوز کنار ماست.

امروز چند ساعتی با قلم کار کردم. حرکت نرم نوک قلم به روی کاغذ مثل مرور آلبوم عکس خاطرات، سفر به محله کودکی و یا دیدار همصنفیها آرامش بخش بود. چند صفحه روی ورق نوشتم. ماساژ روان بود. شبیه یوگا بود. شاید آخرین روزهای تماس ما با قلم باشد. احتمال دارد نسلی که امروز به دنیا می آیند این حسی را که تعریف کردم درک نتوانند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

تحولاتی که پس از اختراع برق در جهان آمده، با گذشت هر سال سرعت می‌گیرد. سرعت، شدت، و گسترش تصاعدی آن را همه حس می‌کنیم. شاید تجربه نسل ما در این میان یگانه باشد. ما در گذشته تحول بزرگی زندگی کردیم. از این جهت بسیار خوش‌شانس بودیم. تجارب زندگی در دوره‌های چوپانی، دهقانی، صنعتی، مجازی و هوش مصنوعی برای هر نسلی میسر نیست، و برای آدم‌های هر ملک و شهری هم میسر نبوده است.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ